

در اطراف تحلیل کلمه پامیر و معنی آن

چندی پیش ازین در اثر مطالعه چند شماره مجله آریانا نگارنده را نظری بر نام پامیر افتاد ، که از طرف بعضی نویسندگان در اطراف معنی و تحلیل کلمه پامیر اظهار نظر بعمل آمده بود در اثر آن این جانب نیز موضوع را طرف تتبع و تعمق قرار داده و اینک نظریه خویش را در باره آن خدمت قارئین گرام آریانا عرض مینمایم نشانی و مطالعات فرجی

نویسنده مقاله (در اطراف وجه تسمیه پامیر) در شماره دوم سال دوم آریانا بعد از يك تمهید مفصل (پامیر) را از دو کلمه (پا) و (میر) مرکب دانسته و چنین اظهار نظر مینماید :

اولاً (پا) یا پای کلمه خالص پارسی بمعنی پائین ، زیر ، دامن یا ارمان مثلاً پای کوه که معنی دامن کوه را افاده میکنند .

ثانیاً - لفظ (میر) که در سانسکریت به معنی جهیل ، کول ، یا بحیره است . لهذا پامیر به معنی جهیل یا زیر کول و بحیره و یا در دامن جهیل یا کول یا بحیره میباشد . چون جلگه پامیر از موقع کوههای آن پایان تر وقوع یافته است از آن سبب این جلگه را پامیر گفته اند .

اما بفکر نگارنده نمیتوان توجیه مذکور را به آسانی قبول نمود زیرا (یامیر) که نام کوهی است بلند و مرتفع چطور میشود ، آنرا زیر يك جهیل یا کول یا بحیره قرار داد .

در حالیکه جهیل و بحیره یا کول عموماً باید در پای و دامن کوه واقع باشد. نه بالعکس آن که نویسنده مقاله مذکور توجیه نموده است علاوه بر آن (میر) اگر در سانسکریت به معنی جهیل ، بحیره و کول هم آمده باشد ، اما نسبت پای یا زیر یا دامن به جهیل و کول و غیره عموماً نداشتند و اصطلاحاً پای بحیره و یا جهیل گفته نمیشود ، بلکه درین مورد کنار و یا لب استعمال میگردد . مثلاً کناره بحیره یا لب جهیل و غیره بنا بر آن معمای (یامیر) هنوز حل نگردیده و قرار آتی میخواهیم به حل آن بپردازیم . نام (یامیر) طوریکه معلوم است بر يك سلسله جبال مرتفع حصص شرقی شمالی آریانا اطلاق گردیده و آن در اوستا بنام (هرا برزنی) موسوم شده است . کوه (هرا برزنی) قرار اصطلاح اوستا دورا دور زمین را گرفته و ناهمناطق شرقی امتداد داشت و پای آنرا آب سرد می کرد . کسایگر المانی میگوید که این کوه بطرف شرق بود و معنی اسم آن (کوههای بلند) بوده و عبارت از توده مرتفع (یامیر) میباشد . زیرا بلندترین این کوهها است ، و هم شاخه آن بطرف شرق امتداد دارد (۱) .

در اوستا راجع به کوه مذکور در دو فقره ذیل تذکری بعمل آمده است :

- ۱ - « آهو را مزدا رب النوع آسمان ، بالای قلعه کوه هرا برزنی (یامیر) که آفتاب از فر از آن برمی خیزد برای (میترا) مسکنی ساخته بود » .
- ۲ - « میترا پیش روی آفتاب پیش روی ماه و ستارگان بالای « هرا برزنی » بلند می شود ، (۲) .

(۱) - تاریخ افغانستان ج اول ص ۲۸۳ .

(۲) - تاریخ افغانستان ج اول ص ۲۸۳ .

در فقرات مذکور اگر تعمق شود چند چیز مهم که وجه تسمیه یامیر شده میتواند، بنظر میرسد. اولاً اینکه اوستا کوه (هر ابرزنی) را مطلع آفتاب قرار داده و میگوید که آفتاب از فراز آن بر می خیزد. دوم اینکه آنرا مسکن (میترا) رب النوع آفتاب قلمداد مینماید سوم آنکه بلند شدن (میترا) را بر سر کوه یامیر نشان و اظهار میدارد بناءً در تسمیه یامیر از دو سه چیز مذکور بطریق آنی استمداد و استخراج نموده به تحلیل کلمه مذکور و معنی آن ذیلاً پرداخته میشود یامیر ظاهراً از دو کلمه (یامیر) ترکیب یافته است جزء دوم آن (میر) به معنی آفتاب بوده و از کلمات (میترا) ویدا و (میترا) اوستا مأخوذ شده است کلمه مذکور در مسکوکات کنشکای کبیر بصورت (میرو) و در مسکوکات (هرویشکا) شاهان کوشانی بشکل (میر رو - میو رو -) بملاحظه میرسد (۱) که از آن در پنتو (مر) و به لهجه مردم وزیر (میر) و بالاخره زیادت نون (نمر) ساخته شده است طوریکه کلمه « مهر » فارسی با (میترا) ارتباط داشته و از آن استخراج گردیده است کلمات (مر - نمر) و عالی الخصوص (میر) پنتو که با (میرو) مسکوکات کنشکا شباهت نامی دارد، و هم عیناً در کلمه (یامیر) موجود میباشد (میترا را و میترا) ویدا و اوستا مأخوذ بنظر می آید.

آمدیم به جزء اول آن (پا) این جزء اگرچه شاید خواهان تحقیق بیشتری باشد ولی بعقیده نگارنده غالباً اصل آن (پارا - یار - یور) بوده و بصورت تخفیف (پا) استعمال گردیده است. حالا میخواهم معنی کلمه (پارا) شرح و توضیح نمایم :

اول اینکه (پارا - یار - یور یو - پار یو) در زرد و سنسکریت به معنی کوه بوده و چنانچه ریشه آنرا بهمین معنی در بعضی نام های قدیم میبینم مثلاً در کلمات (ایاریتی - یاریتی) که نام يك قبیله قدیم آریائی عصر ویدی که در یکی از دامنه های سپین غرمیز بست بوده، و معنی لفظی آن کوهستانی میباشد (۲)

(۱) - تاریخ افغانستان جلد اول ص ۳۱۶ - (۲) تاریخ افغانستان ج ص ۱۰۱

و همچنان در کلمه (پروتی) که بمعنی دختر کوهی است (اپار - یار پرو) به معنی کوه و (تی) لاحقۀ نسبتی است ؛ مثلیکه در کلمه (جرگتی) پنتو (تی) برای نسبت به (جرگه) استعمال میگردد . گذا در نامهای (اپاراسین - یاراسین) که عبارت از کوه هندو کش و لفظاً معنی کوه عقاب ؛ کوه بلند تر از پرواز عقاب را افاده میکند (۱) .

و در اسمای کوههای پوران (پروان) پورا و اتا کوه (پروت) متذکره اوستا ریشه کلمه (پارا - یار - پوریوه) بصورت واضح دیده میشود . از همین جاست که (پارا - یار) به معنی بالا و بلند هم می آید .

چنانچه در کلمات پنتوی (پورته = بلند) و (بارا) که بدل (پارا) و به معنی دیوار بلند سنسکی است مفهوم مذکور به ملاحظه میرسد . پس در سورتیکه (بارا) به معنی کوه و (پا) را مخفف آن بدانیم معنی تر کبی (یامیر) چنین میشود : - کوه آفتاب - آفتاب کوه - مطلع آفتاب - کوهیکه طبق بیان اوستا آفتاب از فراز آن برمی خیزد و همچنان کوه مذکور را به (میترا) رب النوع آفتاب و رب النوع روشنی آفتاب ، رب النوع راستی و عدالت هم منسوب ساخته میتوانیم (۲) زیرا که بالای آن برای (میترا) مسکنی ساخته بودند و (میترا) بالای آن پیش روی آفتاب بلند میشد درین صورت البته (میر) را مخفف (میترا) دانسته و (یامیر) را که شاید در اصل (یارامیترا) بوده میتوان به معنی کوه (میترا) قبول کرد . نظیر نسبت مذکور در (کسی غر) که به (گاسی ، کیس) یکی از اجداد پنتون منسوب است هم دیده میشود .

دوم اینکه (یار ، پارا) را به معنی قبل و پیش و اول که در (پارادانا) نام اولین خاندان شاهی بلخ (پارا) به معنی اول و پیش میباشد و در پنتو هنوز (یار) در کلمات (یارون ، پروتی) مفهوم قبل و پیش را افاده میکنند قبول نمائیم درینصورت معنی کلمه (یامیر) چنین خواهد بود . اولین مطلع

(۱) - تاریخ افغانستان جلد اول ص ۲۸۷ .

(۲) - تاریخ افغانستان جلد اول ص ۳۱۴ .

آفتاب پیش روی آفتاب - کوهیکه در قبال طلوع اول آفتاب وقوع دارد . کوهیکه اولین طلوع آفتاب به آن منسوب است . کوهیکه اولتر و بیشتر از همه جا آفتاب از فراز آن به خاک آریانا و خراسان میتابد . به عقیده نگارنده مفهوم کلمه (خراسان) یعنی مطلع (شمس) از همین جا گرفته شده زیرا خراسان که جزء اول آن خورم و اصل آن (سور - هور) ویدا و اوستا به معنی آفتاب و جزء دوم آن (ستان - سان) به معنی جای و محل که در کلمات (ارغستان - ارغسان) قندهار هم دیده میشود . بکمان غالب اصلاً (خورا ستان = خراسان) به معنی جای و محل آفتاب و مطلع الشمس بوده و پسان تر تخفیفاً بصورت (خراسان) استعمال گردیده است مفهوم فوق عیناً مفهومی است که اولاً در مورد کوه (پامیر) استعمال و بعد ازان به تمام مملکت منتقل گردیده و بنام (خراسان) شهرت یافته است . سوم اینکه : - (پا) را مخفف (پور) بدانیم که در سانسکریت مفهوم و معنی محل شاهی و قلعه مستحکم را میسرساند (۱) در بنصورت معنی کلمه (پامیر) خوبتر روشن گردیده و عبارت از محل آفتاب مسکن (میترا) و غیره می شود . طوریکه قبلاً تذکر دادیم از فقرات اوستا بر می آید که (اهورا مزدا) بر قلعه کوه هرا بر زنی برای (میترا) رب النوع و شاه آفتاب و روشنی ، مسکن و پوری ساخته بود . بنابر آن بعید نخواهد بود اگر (پامیر) را از روی توجیه مذکور مخفف (پوره مهتر (۲) پور میترا) دانسته و معنی آنرا (محل و موضع میترا) تسلیم و قبول نمائیم زیرا که صورت مقلوب آن (میترا پور - میترا پور) مانند (شیر پور) بصورت واضح معنی مذکور را اظهار و ابراز میدارد . اما باید دانست اینکه جزء اول (پامیر) از (پارا و پاپور) بصورت (پا) تخفیف یافته از خصوصیات ترا کيب السنه آریائی بوده و امثال و نظایری زیادی را دارا می باشد مثلاً از آن جمله یکی نام قدیم (پورا شاپورا) است که اکنون بصورت (پشاور) استعمال می شود و از کلمه (پورا) در آن تنها (پ) موجود می باشد . دیگر نام (سپستا گونا گیری)

(۱) تاریخ افغانستان جلد اول .

(۲) مهتر اکنون هم به معنی شاه استعمال میگردد چنانچه مهتر چترال و غیره

اوستا است که در یسئو حالا بصورت (سپین غر) دیده می شود اگر از کلمات (یارا - یار - یور) نظریه تخفیفانی که در حین ترکیب دو کلمه عمده و ما وارد می شود (را - ر) حذف نموده و در (یور) واو آنرا بالف تبدیل نمائیم به سهولت لفظ (یا) ساخته شده و بصورت تخفیف جزء اول (یامیر) را تشکیل میدهد. گرچه راجع به جزء اول (یامیر) تا بک انداز شرح مفصل و مکفی داده شده. ولی در این جا میتوان توجیه دیگری را که از روی آن در جزء اول تغییری وارد نمی شود اظهار و ابراز نمود و آن اینکه (یا) را همان (پای) فارسی دانسته و طوری که نویسنده مقاله (تسمیه یامیر) تحریر نموده آنرا بمعنی دامن و یازیر بشناسیم درینصورت هم یک معنی صحیح را افاده می کنند و آن عبارت است از دامن آفتاب - دامن میترا که مؤکل روشنی آفتاب است و یا معنی آن زیر آفتاب - یائین تر از آفتاب می شود.

البته تناسب معنی مذکور با کوه یامیر واضح رهوید است زیرا که کوه های یامیر در اوستابنام کوه های آسمان خراش و سربلک کشیده یاد شده و غیر آفتاب از همه چیز بلند می باشد بدین سبب مفهوم زیر آفتاب یائین تر از آفتاب دامن طلوع آفتاب و غیره هم در آن موزون و درست بنظر میرسد. خلاصه اینکه نام (یامیر) از دو کلمه (یامیر) مرکب گردیده است جزء اول آن (یا) یا مخفف (یارا) بمعنی کوه و یا مخفف (یور) بمعنی محل طلوع و یا (پای) بمعنی دامن و زیر ذیل می باشد و جزء دوم آن (میر) یا عیناً کلمه (میرو) مسکوکات کنشکا بمعنی آفتاب و یا مخفف (میترا) رب النوع آفتاب بوده و معنی مجموعی آن کوه آفتاب مطلع آفتاب، کوه میترا، محل میترا کوهی که پیش روی آفتاب است و بالاخره معنی زیر آفتاب و دامن آفتاب را افاده و اظهار می نماید.

این بود نظریه نگارنده در باره تسمیه یامیر - امید است که طرف علاقه علاقه مندان تاریخ وطن قرار گرفته و در اطراف آن اگر قناعت شان فراهم نشده باشد کاوش و کنجکاوی بیشتری نمایند.

کابل - ۲۰ سرطان ۱۳۲۶

صدیق الله رشتین